

بررسی میزان گرایش دبیران مقطع متوسطه استان گیلان به انجمن‌های علمی- آموزشی معلمان^۱

علی یعقوبی چوبری*، مژگان کار دوست جورشری

چکیده

یکی از نشانه‌های رشد هر جامعه وجود انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی در آن جامعه می‌باشد. امروزه انجمن‌های علمی نوعی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و دارای کارکردهای آشکار و پنهان متعددی برای نظام آموزشی می‌باشند. مقاله حاضر حاصل بخشی از پژوهشی است که به شناسایی راهکارهای عملی تقویت انجمن‌های علمی- آموزشی معلمان استان گیلان می‌پردازد. روش مطالعه در این تحقیق روش پیمایشی است، جامعه آماری شامل کلیه دبیران مقطع متوسطه در رشته‌هایی است که دارای انجمن علمی مانند ریاضی، فیزیک، شیمی، زبان ادبیات، علوم اجتماعی و روان‌شناسی بوده‌اند. حجم نمونه باتوجه به جدول مورگان در حدود ۳۵۴ نفر بوده که ۹۹ نفر آنان را عضو و ۲۵۵ نفر را غیرعضو تشکیل می‌دهند. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک می‌باشد ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که پس از تست مقدماتی و سنجش اعتبار و پایایی بر روی جامعه آماری توزیع گردید. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بین سن و مدرک تحصیلی با میزان آشنایی و مشارکت در انجمن‌های علمی- آموزشی رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد، ولی بین سن و مدرک تحصیلی

۱. این مقاله براساس نتایج به دست آمده از یک پژوهش علمی تهیه شده است که در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان «شناسایی راهکارهای عملی تقویت انجمن‌های علمی- آموزشی معلمان استان گیلان» به پایان رسید. این طرح توسط نویسندگان فوق و با همکاری سازمان آموزش و پرورش و جهاد دانشگاهی گیلان به انجام رسیده است، که از همکاری نهادهای مزبور تقدیر و تشکر می‌گردد.

* Aliyaghobi2002@yahoo.com

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵؛ ص ۱۴۰-۱۶۳

بانوع نگرش معلمان در خصوص انجمن‌های علمی - آموزشی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. همچنین بین جنس، محل سکونت، سنوات خدمت با میزان آشنایی نوع نگرش و میزان مشارکت در خصوص انجمن‌های علمی - آموزشی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. و سرانجام بین میزان آشنایی با نوع نگرش و میزان مشارکت در انجمن‌های علمی - آموزشی معلمان رابطه معنی‌دار وجود دارد: و نیز بین نوع نگرش با میزان مشارکت در خصوص انجمن‌های علمی - آموزشی معلمان رابطه معنی‌دار مشاهده گردیده است. **واژگان کلیدی:** گرایش، معلمان، انجمن‌های علمی - آموزشی، استان گیلان.

مقدمه

امروزه سازمان‌های غیردولتی (NGO) از جایگاه خاصی در جوامع برخوردار هستند و مشارکت نهادهای مردمی خودجوش به‌ویژه نهادهایی که فعالیت‌های آن‌ها جنبه علمی دارد در نظام مدیریت جامعه امری مطلوب و مورد خواست مردم و مسئولان تبدیل شده است و به عنوان شاخصی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی و حلقه واسط بین فرد و دولت مطرح است، لذا انجمن‌های علمی به عنوان یک تشکل علمی (غیردولتی) می‌توانند به نوبه خود در جهت بهبود این شاخص‌ها ایفای نقش نمایند.

هدف از انجام دادن پژوهش حاضر بررسی میزان گرایش معلمان استان گیلان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی می‌باشد. در خصوص ضرورت انجام دادن این پژوهش می‌توان گفت که یکی از زمینه‌های لازم برای تقویت بنیه علمی معلمان آشنایی بیشتر آنان با یافته‌های علمی است که در این خصوص انجمن‌های علمی می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روی وضعیت یادگیری دانش‌آموزان نیز تأثیر بسزایی داشته باشند. بنابراین، انجمن‌ها یا جامعه‌های علمی یکی از عناصر اساسی قابل توجه در علوم جدید به‌شمار می‌روند. این انجمن‌ها به مثابه نوعی دانشکده نامرئی می‌باشند که متخصصان یک رشته از علوم را گرد هم جمع می‌کند و زمینه انتقال اطلاعات و ارتباط علمی را فراهم می‌سازد و مبادله ایده‌های جدید را تشویق می‌کند که طبعاً این انتقال اطلاعات و گردهمایی‌ها به‌طور غیرمستقیم می‌تواند اثرات مثبت در عرصه یادگیری و آموزشی دانش‌آموزان داشته باشد. از آنجایی که انجمن‌های علمی-آموزشی یکی از گروه‌های خودجوش در عرصه عمومی و مدنی است، قطعاً بررسی میزان آشنایی، نگرش و مشارکت آنان می‌تواند برای دبیران، متصدیان و متولیان انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان استان، به‌خصوص بخش معاونت تأمین و تربیت نیروی انسانی سازمان آموزش و پرورش استان گیلان و سایر انجمن‌های علمی و پژوهشگران، مفید و ضروری باشد. بنابراین دست‌اندرکاران انجمن‌های مزبور می‌توانند در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری از نتایج آن بهره‌مند شوند.

مبانی نظری

گرایش^۱ به نظامی از تمایلات، عقاید و اعتقادات یک فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود گفته می‌شود. این نظام در طول زمان در پی تأثیرات محیطی و تجربیات شکل می‌گیرد و کم‌وبیش دارای قوام و دوام می‌باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۳: ۵). واژه گرایش (attitude) خود از لغت aptus در زبان لاتین (به معنی، تطبیق) گرفته شده و آمادگی ذهنی برای یک عمل خاص را می‌رساند.

ساروخانی در *دایره‌المعارف علوم اجتماعی* attitude را معادل «طرز تلقی» یا آمادگی روانی می‌داند و می‌نویسد: «از مفاهیم اساسی در روان‌شناسی اجتماعی است، بین عقیده از یک سو و عمل از سوی دیگر جای می‌گیرد و دارای دو بعد اساسی است: ۱- آمادگی درونی بالفعل جهت انجام عمل، ۲- گرایش یا جهت‌گیری مثبت یا منفی در برابر یک امر اجتماعی» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۷).

علاوه بر این، گرایش برای توصیف سه بعد رفتاری توسط دانشمندان به کار گرفته شده است:

۱- آمادگی جسمی بدن برای پذیرش محرک‌های بیرونی و تبدیل آن به عمل.
۲- بُعد فکری و آگاهی: یعنی انسان در ذهن خودش می‌داند یک چیز به چه علت خوب است یا بد.

۳- بُعد احساسی: یعنی انسان براساس احساس (نه براساس تفکر و حسابگری) قضاوت‌ها و یا عکس‌العمل‌های ارزیابی‌کننده نسبت به پدیده‌های اطراف از خود نشان می‌دهد.
در زبان فارسی واژه attitude در برخی موارد به جای گرایش ترجمه شده است. روان‌شناسان اجتماعی نیز معمولاً نگرش را در ارتباط با سه عنصر متشکله آن به شرح زیر بررسی می‌کنند:

۱- عنصر عاطفی یا احساسات و عواطف درباره شخص، اندیشه، واقعه یا شیء.
۲- عنصر شناختی یا عقاید، اعتقادات، آگاهی‌ها، یا اطلاعاتی که از سوی فرد کسب می‌شود.
۳- عنصر رفتاری، یا قصد و آمادگی برای اقدام.
بدیهی است که این عناصر به گونه‌ای منفرد وجود ندارد و همیشه مستقل عمل نمی‌کند. نگرش به آینده یا نقشی درهم آمیخته از احساسات، ادراکات و تمایلات رفتاری یک شخص درباره یک چیز، شخص یا گروه، یک اندیشه یا واقعیات و امور مشابه دیگر است (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۹).

از سوی دیگر، رفیع‌پور معتقد است بین واژه گرایش و نگرش تفاوت وجود دارد. از دیدگاه وی، نگرش یک فرد درباره یک پدیده عموماً در مرحله‌ای است که او هنوز با آن پدیده تجربه

1. attitude

شخصی زیادی نداشته است و هنوز به یک تصمیم‌گیری قاطع درباره‌ی رد یا پذیرش آن پدیده نرسیده است، لذا در این مرحله نظر افراد درباره‌ی آن پدیده با یک برخورد و تجربه شخص نسبتاً به راحتی قابل تغییر است. بنابراین تغییرگرایش افراد دشوارتر از تغییر نگرش آن‌هاست. وی معتقد است واژه *attitude* که به جای واژه گرایش، سوگیری و موضع‌گیری را مترادف آن می‌دانستند یک مرحله از واژه نگرش جلوتر می‌رود. یعنی نظر و برداشت اولیه شخص درباره‌ی یک موضوع و یا پدیده عموماً براساس تجربه‌ی شخص مستحکم‌تر می‌شود و در رفتار و برخورد آن فرد با آن پدیده کم و بیش منعکس می‌گردد (رفیع‌پور، ۱۳۷۳: ۷-۸).

از آنجا که نگرش پیوسته با ارزش‌گذاری همراه است، لذا ارزیابی انسان‌ها از افراد و حوادث معمولاً در طیف گسترده‌ای از نگرش‌های مثبت و منفی قرار می‌گیرد. افراد نسبت به آنچه آگاهی ندارند بی‌اعتنائند، اما وقتی آشنایی با فردی، شیئی و یا حادثه‌ای رخ دهد، نگرش نسبت به محیط و افراد شکل می‌گیرد. در این میان شخص درباره‌ی آن فرد حادثه یا شیء دیدگاهی پیدا می‌کند که در طیفی از مهر و عناد قرار می‌گیرد. از این‌رو ارزیابی مطلوب یا نامطلوب افراد را مستعد می‌سازد تا در صورت برخورد با فرد، حادثه یا شیء از خود واکنش متناسب با ارزیابی خود بروز دهد (ربانی خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

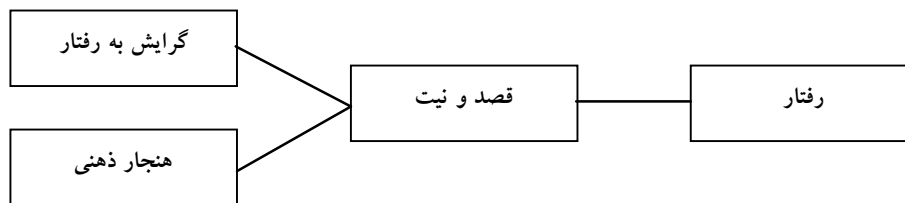
باتوجه به تعریف نگرش و بعضی خصوصیات آن که یادآور شدیم، نگرش‌ها در رفتار افراد تجسم می‌یابند. این گفته قطعیت ندارد و چه‌بسا در شرایطی ممکن است که فرد رفتاری متفاوت یا متضاد با نگرش خود بروز دهد. اما با این حال در کل رفتار انسان نشانه‌ای از نگرش‌های اوست که آن را می‌توان آمادگی وی برای اجرای عمل به گونه‌ای خاص تصور نمود.

اما، به رغم عدم قطعیت رابطه بین نگرش و رفتار، چنین تصور می‌شود که باید نوعی هماهنگی بین آن‌ها وجود داشته باشد، زیرا در غیر این صورت طبق نظریه ناهماهنگی شناختی، فرد به تعارض روان‌شناختی ناشی از عدم هماهنگی بین نگرش‌هایش برمی‌خورد که در نتیجه آن دچار اضطراب و فشار روانی می‌گردد (ربانی خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۴۹).

از آنجایی که رابطه بین نگرش و رفتار امری متقابل است (یعنی نگرش روی رفتار، و رفتار روی نگرش اثر می‌گذارد) می‌توان با تغییر یکی در دیگری نیز تغییر ایجاد نمود. یکی از نظریه‌هایی که رابطه باورها، نگرش و رفتار را نشان می‌دهد توسط فیش باین و آیزن^۱ ارائه شده است. دیدگاه آنان نشان می‌دهد که رفتار کنشگران به نگرش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار متکی است. در شرایطی که نگرش‌ها و هنجارها هر دو در رابطه مثبت با رفتار باشند، قصد انجام دادن عمل زیاد خواهد بود. این دو از طرف دیگر نشان می‌دهند که نگرش‌ها و هنجارها هر دو تحت

1. Fishbien & Aizen

تأثیر عقاید فرد درباره یک عمل خاص است. به علاوه همان‌طور که فیش باین می‌گوید جدا کردن این سه از یکدیگر حتی در سطح مفهومی عملاً غیرممکن است. نگرش یا ارزش‌گذاری عاطفی یک موضوع معین از طرف ما حتماً به شناخت‌ها یا باورهای ما نسبت به آن موضوع بستگی دارد، اما عکس آن هم درست است. ارزشی که ما از نظر عاطفی برای موضوعی قائل هستیم بر باورها یا شناخت‌های ما نسبت به موضوع تأثیر می‌گذارد؛ این دو به رفتاری که ما نسبت به موضوع از خود نشان می‌دهیم نیز بستگی دارد و می‌توانند به این رفتارها شکل بدهند.



نمودار ۱- رابطه بین رفتار، قصد و نیت و گرایش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار

سپ^۱ و هارود^۲ در نظریه خود در کنار متغیرهای تئوری فیش باین و آیزن متغیر دیگری را تحت عنوان «پذیرش اجتماعی» در نظر گرفتند. آن‌ها معتقدند که انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت مؤثر است. بدین منظور آن‌ها برای تکمیل تئوری خود از گروه مرجع استفاده می‌کنند. گروه مرجع می‌تواند هر مجموعه از مردم باشد. این گروه مرجع یک چارچوب کلی ارزشیابی را به وجود می‌آورد که براساس آن اعضاء سیستم اجتماعی یا گروه خود و دیگران را ارزیابی و کنترل می‌نمایند (کار دوست جورشری، ۱۳۸۰: ۱۴).

در یک نتیجه‌گیری کلی از مفهوم گرایش می‌توانیم بگوییم که آدمی در طول زندگی با چیزهای گوناگون سروکار دارد و نسبت به این چیزها در او شناخت‌های معین و احساسات خاصی پدید می‌آید و نوعی آمادگی در او پیدا می‌شود که نسبت به آن‌ها به شیوه معینی رفتار کند. ترکیب این شناخت‌ها، احساسات و آمادگی برای عمل را گرایش گویند (صباغ‌پور، ۱۳۷۷: ۹۰).

علاوه بر این، جامعه‌شناسان از مناظر متفاوت به انجمن‌های علمی نگاه می‌کنند. هابرماس^۳

1. Sapp

2. Harrod

3. Habermas

وجود نهادهای مدنی و گستره همگانی را آن بخش از حیات اجتماعی می‌داند که ضمن حفظ استقلال خود نسبت به بخش‌های رسمی و غیررسمی زمینه را برای گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه و کنش اجتماعی رهایی‌بخش فراهم سازد. وی بر ویژگی‌های شخصیتی افراد و توان آنان برای خودیابی و قطع وابستگی از بخش‌های رسمی و غیررسمی نیز تأکید می‌کند. زیرا شرکت‌های اقتصادی فراملیتی، دولت‌ها و رسانه‌های جمعی وابسته به آن‌ها از تهدیدکنندگان نهادهای مدنی و گستره همگانی می‌باشند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۳).

برخی جامعه‌شناسان از منظر «سرمایه اجتماعی» به انجمن‌ها و نهادهای مدنی می‌نگرند. منظور از سرمایه اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند کسب کنند (بورديو، ۱۹۸۶؛ کلمن، ۱۹۹۸ و پاتنام، ۱۹۹۳).

از نظر بورديو^۱، مشارکت فرد در شبکه اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می‌شود.

کلمن از منظر کارکردی به سرمایه اجتماعی می‌نگرد. وی وجود سرمایه اجتماعی را در گروه اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت‌های اجرایی کارآمد، روابط مبتنی بر اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند.

پاتنام^۲ مفهوم سرمایه اجتماعی^۳ را فراتر از سطح فردی و در سطح ملی به کار می‌برد. به اعتقاد او، شبکه‌های مشارکت مدنی (نظیر انجمن‌های شکل گرفته در نظام همسایگی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و...) از شکل‌های اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. او در تحقیق تجربی خود در ایتالیا ادعا می‌کند که مناطق دارای سرمایه اجتماعی زیاد، دارای اجتماع مدنی زنده و پرشوری هستند و در نتیجه اقتصاد پررونق و نهادهای سیاسی فعال دارند. ولی مناطق دارای سرمایه اجتماعی اندک، هم در عرصه اجتماع، هم در عرصه اقتصاد و هم در عرصه سیاست دچار مشکل هستند (شارع‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱).

علاوه بر رویکرد نظری، اینک به سیر تاریخی انجمن‌های علمی پرداخته می‌شود. به طور اجمالی، تاریخچه انجمن‌های علمی در کشور را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره اول قبل از سال ۱۳۴۰ برمی‌گردد که تعداد انجمن‌ها محدود بوده و انجمن‌ها علاوه بر کارهای علمی به امور صنفی نیز پرداخته‌اند.

۲- دوره دوم: فعالیت‌های انجمن‌ها در این دوره به سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ برمی‌گردد. در این دوره نقش وزارت علوم بارز می‌شود و انجمن‌های متعددی در کشور تأسیس می‌گردند.

1. Bourdieu
3. social capital

2. Putnam

۳- دوره سوم: این دوره مربوط به پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. در سال ۱۳۶۲ شورای علمی انجمن‌های علمی زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی فعالیت خود را شروع نمود. در سال ۱۳۶۶ آیین‌نامه مجوز تأسیس انجمن‌های علمی کشور جمهوری اسلامی صادر گردید (مظفرزاده، ۱۳۷۴:۱۱۷).

در این دوره شاهد تأسیس انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان هستیم. وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۴ از شورای عالی انقلاب فرهنگی مجوز تأسیس انجمن‌های علمی و آموزش معلمان در رشته‌های مختلف را اخذ کرد و این مجوز در ابتدای سال ۷۶ جهت اجرا به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها ابلاغ شد (دستورالعمل انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان، ۱۳۷۷).

از زمان ابلاغ این دستورالعمل تا ۱۳۸۴، ۸ انجمن در استان گیلان توانسته مجوز تأسیس دریافت کنند که به ترتیب سابقه فعالیت عبارتند از: ریاضی (۱۳۷۶)، شیمی، علوم اجتماعی و روان‌شناسی (۱۳۷۸)، فیزیک (۱۳۷۹)، ادبیات فارسی (۱۳۸۰)، کامپیوتر و زبان انگلیسی (۱۳۸۲). ضمناً از اتمام پژوهش تاکنون اساسنامه انجمن‌های علمی آموزشی معلمان زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، آموزش ابتدایی، تاریخ، جغرافیا، فلسفه و منطق، زبان عربی به تصویب رسیده و فعالیت خود را شروع نموده‌اند. فعالیت‌های انجمن‌های مزبور صرفاً در مسایل علمی و آموزشی بوده، صبغه صنفی و سیاسی ندارند.

متأسفانه، در سطوح خرد، در خصوص انجمن‌های علمی، به‌ویژه انجمن‌های علمی معلمان، پژوهش‌های گسترده‌ای انجام نگرفته، ولی نتایج چند پژوهش محدود نشان می‌دهد که انجمن‌های هیئتی و نخستین در مقایسه با انجمن‌های توافقی و جهانی فراوانی بیشتری برخوردارند و مشارکت مردمی و داوطلبانه در نهادهای غیردولتی مانند خیریه‌ها، صندوق‌های مالی و قرض‌الحسنه، کانون‌های یاری‌رسان، تشکل‌های مذهبی، فرهنگی، هنری، ورزشی و سیاحتی بیش از سایر نهادهای غیردولتی است (قاسمی، ۱۳۸۱؛ سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱).

در خصوص متغیرهای زمینه‌ای، نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که بین جنس، سن، سواد و وضع تأهل و فعالیت در انجمن‌های رابطه معنی‌دار وجود دارد. به طوری که مردان بیش از زنان و افراد جوان بیش از بزرگسالان و افراد تحصیل‌کرده بیش از افراد غیرتحصیل‌کرده و نیز افراد مجرد بیش از افراد متأهل در انجمن‌ها مشارکت دارند. (محسنی، ۱۳۷۹).

در این باره، نتایج تحقیق قانع‌رادی نیز نشان می‌دهد که، به جز متغیر سن، بین سایر متغیرهای زمینه‌ای (جنس، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و اقتصادی) و مشارکت در تشکل‌های غیردولتی

رابطه معنی‌دار وجود دارد. (قانع‌راد، ۱۳۸۴).

داده‌های یک پژوهش دیگر در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور رشت نشان می‌دهد که میزان آشنایی دانشجویان در مورد وظایف و اختیارات انجمن‌های علمی دانشجویی بسیار پایین است و همچنین دانشجویانی که از آشنایی بیشتری در خصوص انجمن‌های علمی مزبور برخوردار بودند دارای نگرش مثبت‌تر و نیز مشارکت بیشتری نیز بوده‌اند و دانشجویانی که دارای نگرش مثبت‌تری بوده دارای مشارکت بیشتری در انجمن‌های مذکور بوده‌اند. در ضمن، بین جنس و گرایش به انجمن‌های علمی رابطه معنی‌دار وجود داشته است (علی‌اکبری، ۱۳۸۵).

تحقیق دیگر در مورد بررسی راهکارهای عملی فعال‌تر نموده انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان استان اصفهان در دستیابی به اهداف می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از این امر است که راهکارهای سازمانی با فراوانی ۱۱۴ مورد، راهکارهای حمایتی و تشویقی ۱۱۳ مورد، و راهکارهای اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی ۱۴ مورد بوده است. همچنین بین نوع عضویت، جنس، رشته تحصیلی، سوابق خدمت و مدرک تحصیلی با راهکارهای یادشده تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (قائدنیا، ۱۳۸۳).

سؤال‌های تحقیق

الف- سؤال اصلی:

میزان گرایش معلمان استان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان چقدر است؟

ب- سؤال‌های فرعی

۱- میزان آشنایی معلمان در مورد انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان چقدر است؟

۲- نوع نگرش معلمان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان چه می‌باشد؟

۳- میزان تمایل به مشارکت در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان چقدر است؟

۴- آیا بین میزان آشنایی معلمان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان با متغیرهای سن، جنس، وضع تأهل، محل سکونت، مدرک تحصیلی، و نوع عضویت رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۵- آیا بین نوع نگرش معلمان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان با متغیرهای سن، جنس، وضع تأهل، محل سکونت، مدرک تحصیلی و نوع عضویت رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۶- آیا بین میزان تمایل به مشارکت در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی با متغیرهای سن، جنس، وضع تأهل، محل سکونت، مدرک تحصیلی و نوع عضویت، رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۷- آیا بین میزان آشنایی و نگرش معلمان در مورد انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۸- آیا بین میزان آشنایی و میزان مشارکت معلمان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۹- آیا بین نوع نگرش و میزان مشارکت معلمان نسبت به انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

تعریف مفاهیم و متغیرها

۱- گرایش: به معنای سه عنصر ادراکی، احساسی و رفتاری در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی می‌باشد.

۲- میزان آشنایی: به معنای میزان آگاهی معلمان در خصوص وظایف و اختیارات انجمن‌های علمی-آموزشی می‌باشد، این آگاهی از مندرجات اساسنامه انجمن‌های مزبور به دست آمده است.

۳- نگرش معلمان در مورد انجمن‌های علمی معلمان: نگرش آنان در سه سؤال مورد سنجش قرار گرفته است که شامل موافقت با اساسنامه، سازگاری محتوای اساسنامه با اهداف انجمن‌ها، عادلانه بودن انتخابات مجمع عمومی و ارزیابی عملکرد انجمن‌ها است. که هر یک از متغیرهای فوق در سطح مقیاس ترتیبی چندگزینه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند.

۴- میزان مشارکت: منظور میزان عضویت معلمان در هر یک از رشته‌ها، پرداخت شهریه انجمن‌ها و میزان شرکت در مجمع عمومی می‌باشد.

۵- تمایل به مشارکت در انجمن‌های معلمان: به معنای تمایل به عضویت افراد غیرعضو، علاقه به تداوم عضویت اعضا می‌باشد که به صورت خیلی زیاد، متوسط، کم، خیلی کم مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

۶- انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان: براساس اساسنامه انجمن‌های مزبور این حوزه به فعالیت‌های معلمان در حوزه مسایل علمی و آموزشی پرداخته و فعالیت‌های آن صنفی و سیاسی نمی‌باشد. در این پژوهش، انجمن‌های شیمی، فیزیک، ریاضی، کامپیوتر، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، زبان و ادبیات مورد نظر می‌باشد.

روش تحقیق

روش مطالعه در این تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری نیز شامل کلیه دبیران مقطع متوسطه در رشته‌های ریاضیات، زبان، علوم اجتماعی، فیزیک، شیمی، روان‌شناسی، کامپیوتر و ادبیات استان گیلان بوده که تعداد آنان (تا تابستان ۱۳۸۴) حدود ۴/۴۴۵ نفر می‌باشد. تعداد ۱/۳۰۹ نفر آنان در انجمن‌های علمی-آموزشی عضویت داشته و ۳/۱۳۶ نفر غیرعضو هستند، که به علت گستردگی و وسعت جامعه آماری و کمبود بودجه و سایر محدودیت‌ها، ناگزیر به انتخاب نمونه آماری شدیم. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان در حدود ۳۵۴ نفر است که ۹۹ نفر را عضو و ۲۵۵ نفر آنان را غیرعضو تشکیل می‌دهد. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک می‌باشد. ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که پس از تست مقدماتی و سنجش اعتبار و پایایی آن از طریق روش آزمون-آزمون مجدد که میزان آن با توجه به ضریب همبستگی کرونباخ $a = 0/85$ بوده است. به منظور توصیف و تحلیل اطلاعات از آماره‌های توصیفی و استنباطی، نظیر جداول یک‌بعدی، دوبعدی، فراوانی، درصد فراوانی و آزمون کی‌دو و ضریب توافقی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

براساس داده‌های به دست آمده، ۶۳/۸ درصد از پاسخگویان را مردان و ۳۵/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهد. همچنین ۱۴/۴ درصد دارای سنوات خدمات ۱۰-۱ سال و ۵۲/۸ درصد بین ۲۰-۱۱ سال و ۳۰/۶ درصد دارای بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت هستند. این امر حاکی از مشارکت بیشتر گروه سنوات خدمت میانی معلمان در انجمن مزبور می‌باشد. همچنین ۱/۴ درصد از اعضاء فوق‌دیپلم، ۸۱/۱ درصد لیسانس و ۱۷ درصد فوق‌لیسانس و دکترا می‌باشند. ۹۰/۴ درصد در نقاط شهری و ۵/۹ درصد در نقاط روستایی ساکن می‌باشند. بیشترین گروه سنی بین ۳۵-۴۵ سال بوده‌اند که حدود ۵۵/۴ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. همچنین ۷/۱ درصد از پاسخگویان مربوط به علوم اجتماعی، ۱۴/۴۰ درصد زبان، ۸/۵ درصد شیمی، ۶/۱ درصد ریاضی، ۹/۳ درصد فیزیک، ۱۵ درصد ادبیات، ۲۲/۳ درصد روان‌شناسی، ۴/۸ درصد کامپیوتر بوده است. یکی از سؤالات تحقیق در مورد میزان آشنایی معلمان در خصوص وظایف و اختیارات انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان بوده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی میزان آشنایی معلمان با وظایف و اختیارات انجمن‌های

علمی-آموزشی معلمان

درصد	فراوانی	شرح
۷۷/۱	۲۷۳	خیلی کم
۳/۷	۱۳	کم
۵/۹	۲۱	متوسط
۷/۹	۲۸	زیاد
۵/۴	۱۹	خیلی زیاد
۱۰۰	۳۵۴	جمع

داده‌های مندرج در جدول (۱)، میزان آشنایی معلمان با وظایف و اختیارات علمی-آموزشی را نشان می‌دهد.

در این باره، ۸۰/۸ درصد میزان آشنایی‌شان با وظایف و اختیارات علمی-آموزشی را در حد «کم و خیلی کم»، ۵/۹ درصد در حد «متوسط» و ۱۳/۳ درصد در حد «زیاد و خیلی زیاد» می‌دانند. داده‌های مزبور حاکی از آشنایی پایین معلمان در مورد انجمن‌های علمی-آموزشی می‌باشد. سؤال دیگری که وجود داشت این بود که باتوجه به آشنایی پایین معلمان در مورد وظایف و اختیارات انجمن‌های مذکور، نگرش آنان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی چه می‌باشد؟

جدول ۲- توزیع فراوانی نگرش معلمان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان

درصد	فراوانی	شرح
۲۹/۷	۵۸	بالا
۴۵/۶	۸۹	متوسط
۲۴/۶	۴۸	پائین
۱۰۰	* ۱۹۵	جمع

داده‌های مندرج در جدول (۲)، نگرش معلمان را در خصوص انجمن علمی-آموزشی معلمان نشان می‌دهد.

* از آنجایی که برخی از سنجش‌های نگرش مربوط به اعضا بوده، جمع فراوانی تقلیل یافته است. بنابراین یکی از دلایل عمده کاهش فراوانی در این جدول و سایر جداول ناشی از عامل مزبور بوده است.

در این مورد، ۲۹/۷ درصد از معلمان نگرش‌شان در خصوص انجمن علمی-آموزشی در حد «بالا» (مثبت) بوده، ۴۵/۶ درصد در حد «متوسط» و ۲۴/۶ درصد در حد «پائین» (منفی) بوده است.

یکی از سؤالات تحقیق این بود که میزان تمایل معلمان در خصوص مشارکت در انجمن‌های علمی-آموزشی چقدر است؟

جدول ۳- توزیع فراوانی میزان تمایل معلمان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان

درصد	فراوانی	شرح
۵۸/۷	۱۸۳	زیاد
۳۰/۸	۹۶	متوسط
۱۰/۶	۳۳	کم
۱۰۰	۳۱۲	جمع

داده‌های مندرج در جدول (۳)، میزان تمایل معلمان را در خصوص مشارکت در انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان نشان می‌دهد.

در این باره، ۵۸/۷ درصد از پاسخگویان (معلمان) در حد «زیاد»، ۳۰/۸ درصد در حد «متوسط» و ۱۰/۶ درصد در حد «کم» ابراز نموده‌اند که تمایل به مشارکت در انجمن‌های علمی-آموزشی را دارند. داده‌های فوق نشان می‌دهد که معلمان چه در بین اعضا و غیراعضا، خواهان مشارکت بیشتری در عرصه انجمن‌های علمی-آموزشی می‌باشند.

سؤال دیگری که مطرح گردید این بود که میزان مشارکت معلمان در انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان چقدر است؟

جدول ۴- توزیع فراوانی میزان مشارکت معلمان در انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان

درصد	فراوانی	شرح
۵۹/۷	۱۷۰	کم
۳۸/۲	۱۰۹	متوسط
۲/۱	۶	زیاد
۱۰۰	۲۸۵	جمع

داده‌های مندرج در جدول (۴)، میزان مشارکت معلمان را در انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان نشان می‌دهد. در این باره، ۵۹/۷ درصد از پاسخگویان (معلمان) در حد «کم» ۳۸/۲ درصد در حد «متوسط» و ۲/۱ درصد در حد «زیاد» در انجمن‌های علمی-آموزشی مشارکت داشته‌اند.

جدول ۵- میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی بر حسب سن

میزان گرایش	سن	کم	متوسط	زیاد	جمع	N	کمیت‌های آزمونی
آشنایی	۲۵-۳۴	۸۰/۷	۸/۴	۱۰/۸	۱۰۰	۸۳	$\chi^2 = 10/41 > \chi^2 = 9/49$
	۳۵-۴۴	۸۳/۷	۵/۶	۱۰/۷	۱۰۰	۱۹۶	Df= ۴ sig= ۰/۰۳۹
	۴۵ سال و بیشتر	۷۰/۶	۴/۴	۲۵	۱۰۰	۶۸	
نگرش	۲۵-۳۴	۲۳/۳	۴۶/۵	۳۰/۲	۱۰۰	۴۳	$\chi^2 = 6/17 < \chi^2 = 9/49$
	۳۵-۴۴	۲۹/۹	۴۳/۹	۲۶/۲	۱۰۰	۱۰۷	Df= ۴ sig= ۰/۱۸۶
	۴۵ سال و بیشتر	۱۱/۹	۴۷/۶	۴۰/۵	۱۰۰	۴۲	
مشارکت	۲۵-۳۴	۶۱/۴	—	۳۸/۶	۱۰۰	۵۷	$\chi^2 = 5/81 < \chi^2 = 5/99$
	۳۵-۴۴	۶۷/۱	—	۳۲/۹	۱۰۰	۱۰۷	Df= ۲ sig= ۰/۱۳
	۴۵ سال و بیشتر	۴۰/۴	—	۵۹/۶	۱۰۰	۴۲	

همان‌طوری که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، بین سن با میزان آشنایی در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی رابطه معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه سنین معلمان بیشتر باشد، آشنایی آنان در خصوص انجمن‌های مزبور نیز بیشتر می‌باشد، ولی بین سن، نوع نگرش و میزان مشارکت نسبت به انجمن‌های مذکور رابطه معنی‌دار مشاهده نشده است. ولی آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که نوع نگرش معلمان ۴۵ سال و بیشتر نسبت به انجمن‌های علمی-آموزشی مثبت‌تر بوده و میزان مشارکت آنان نیز بیشتر می‌باشد.

جدول ۶- میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی بر حسب جنس

میزان گرایش	جنس	کم	متوسط	زیاد	جمع	N	کمیت‌های آزمونی
آشنایی	مرد	۷۷/۹	۶/۶	۱۵/۵	۱۰۰	۲۲۶	$\chi^2 = ۱۳/۳۶$
	زن	۸۵/۸	۴/۷	۹/۴	۱۰۰	۱۲۷	$\chi^2 = ۵/۹۹$ $Df= ۲ * C= ۰/۰۹۷$ $Sig = ۰/۱۸۶$
نگرش	مرد	۲۱/۸	۴۵/۱	۳۳/۱	۱۰۰	۱۳۳	$\chi^2 = ۲/۹۳$
	زن	۳۰/۶	۴۶/۸	۲۲/۶	۱۰۰	۶۲	$\chi^2 = ۵/۹۹$ sig=۰/۲۳۰ $Df= ۲ C= ۰/۰۱۵$
مشارکت	مرد	۵۶/۲	—	۴۳/۸	۱۰۰	۱۸۵	$\chi^2 = ۲/۵۸$
	زن	۶۶	—	۳۴	۱۰۰	۱۰۰	$\chi^2 = ۳/۸۴$ sig=۰/۰۶۸ $Df= ۱ C= ۰/۰۹۵$

همان‌طوری که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، بین جنس و میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. ولی توزیع فراوانی آمار مندرج در جدول نشان می‌دهد که میزان آشنایی مردان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی بیشتر از زنان می‌باشد و نگرش مردان در خصوص انجمن‌ها، مثبت‌تر از زنان می‌باشد و سرانجام از نظر مشارکت نیز میزان مشارکت مردان بیش از زنان مشاهده می‌گردد. بنابراین هرچه میزان آشنایی افراد بیشتر باشد، دارای نگرش مثبت‌تر و مشارکت بیشتری در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی هستند.

(ضرایب توافقی نیز رابطه ضعیفی بین متغیرهای فوق نشان می‌دهند)

جدول ۷- میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی بر حسب سنوات خدمت

میزان گرایش مقوله‌های مربوط به گرایش	سنوات خدمت	کم	متوسط	زیاد	جمع	N	کمیت‌های آزمونی
آشنایی	۱-۱۰	۹۰/۲	۳۶/۴	۲۷/۳	۱۰۰	۲۲	$\chi^2 = ۸/۹۹ < \chi^2 = ۹/۴۹$
	۱۱-۲۰	۸۲/۴	۴۸/۲	۲۸/۲	۱۰۰	۸۵	Df= ۴ sig= ۰/۰۶۱
	۲۱-۳۰	۷۴/۳	۴۷/۱	۲۷/۱	۱۰۰	۷۰	
نگرش	۱-۱۰	۳۶/۴	۳/۹	۵/۹	۱۰۰	۵۱	$\chi^2 = ۱/۶۷ < \chi^2 = ۹/۴۹$
	۱۱-۲۰	۲۳/۵	۶/۳	۱۱/۳	۱۰۰	۱۵۹	Df= ۴ sig= ۰/۷۹۵
	۲۱-۳۰	۲۵/۷	۴/۶	۲۱/۱	۱۰۰	۱۰۹	
مشارکت	۱-۱۰	۶۹/۲	—	۳۰/۸	۱۰۰	۳۹	$\chi^2 = ۳/۹۴ < \chi^2 = ۵/۹۹$
	۱۱-۲۰	۶۳/۹	—	۳۶/۱	۱۰۰	۱۲۲	Df= ۲ sig= ۰/۱۳۹
	۲۱-۳۰	۵۳/۲	—	۴۶/۸	۱۰۰	۹۴	

براساس داده‌های مندرج در جدول (۷) بین سنوات خدمت و میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. ولی براساس آمار توصیفی هرچه معلمان از سنوات خدمت بیشتری برخوردار باشند، میزان آشنایی آنان با انجمن‌های علمی-آموزشی نیز بیشتر می‌باشد. و میزان مشارکت نیز در بین معلمان که از سنوات خدمت بیشتری برخوردارند بیشتر است بنابراین هرچه میزان سنوات خدمت بیشتر باشد، میزان آشنایی با و مشارکت در انجمن‌های علمی-آموزشی نیز بیشتر می‌باشد.

جدول ۸- میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی بر حسب مدرک تحصیلی

میزان گرایش مقوله‌های مربوط به گرایش	مدرک تحصیلی	کم	متوسط	زیاد	جمع	N	کمیت‌های آزمونی
آشنایی	لیسانس	۸۳/۹	۵/۵	۱۰/۶	۱۰۰	۲۹۲	$\chi^2 = ۱۰/۴۱ > \chi^2 = ۵/۹۹$ Df= ۲ C= ۰/۱۷۰
	فوق لیسانس	۶۶/۷	۶/۷	۲۶/۷	۱۰۰	۶۰	sig = ۰/۰۳۴
نگرش	لیسانس	۲۵/۸	۴۶/۴	۲۷/۸	۱۰۰	۱۵۱	$\chi^2 = ۱/۴۶ < \chi^2 = ۵/۹۹$ Df= ۲ C= ۰/۰۸۶
	فوق لیسانس	۲۰/۹	۴۱/۹	۳۷/۲	۱۰۰	۴۳	sig = ۰/۴۸۱
مشارکت	لیسانس	۶۳/۴	—	۳۶/۶	۱۰۰	۲۳۲	$\chi^2 = ۵/۸۱ > \chi^2 = ۳/۸۴$ Df= ۱ C= ۰/۱۴۱
	فوق لیسانس	۴۵/۱	—	۴۵/۹	۱۰۰	۵۱	sig = ۰/۰۱۳

براساس داده‌های به‌دست آمده، بین مدرک تحصیلی با میزان آشنایی با و مشارکت انجمن‌های علمی-آموزشی رابطه معنی‌دار وجود دارد، ولی بین نوع نگرش و مدرک تحصیلی رابطه معنی‌دار مشاهده نمی‌شود. بنابراین هر چه مدرک تحصیلی معلمان بیشتر باشد، آشنایی و مشارکت بیشتری در انجمن‌های علمی-آموزشی دارند و همچنین آن‌هایی که دارای مدرک تحصیلی بیشتری (فوق لیسانس) هستند، داری نگرش مثبت‌تری در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی در آموزش و پرورش می‌باشند.

جدول ۹- میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی بر حسب عضویت

میزان‌گرایش مقوله‌های مربوط به گرایش	نوع عضویت	کم/منفی	زیاد/مثبت	جمع	N	کمیت‌های آزمون
آشنایی	عدم عضویت	۸۹/۴	۱۰/۶	۱۰۰	۲۵۵	$x_m^2 = 78/85 > x_c^2 = 5/99$
	عضو عادی	۷۲/۶	۲۷/۴	۱۰۰	۷۳	$Df= 2 C= .0/427$
	عضو اجرایی	۱۹/۲	۸۰/۸	۱۰۰	۲۶	$sig = .0/000$
نگرش	عدم عضویت	۷۱/۱	۲۸/۹	۱۰۰	۱۱۴	$x_m^2 = 12/39 > x_c^2 = 5/99$
	عضو عادی	۸۰/۷	۱۹/۳	۱۰۰	۵۷	$Df= 2 C= .0/244$
	عضو اجرایی	۸۵/۹	۱۴/۱	۱۰۰	۲۴	$sig = .0/002$
مشارکت	عدم عضویت	۸۵/۹	۱۴/۱	۱۰۰	۱۹۸	$x_m^2 = 185/11 > x_c^2 = 5/99$
	عضو عادی	۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۲	$Df= 2 C= .0/627$
	عضو اجرایی	۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۵	$sig = .0/000$

همان‌طوری که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، بین نوع عضویت و میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی رابطه معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، بین نوع عضویت با میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت معلمان در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی رابطه معنی‌دار وجود دارد. یعنی میزان آشنایی و مشارکت اعضای اجرایی با اعضای عادی نیز اعضای عادی نسبت به افراد غیرعضو بیشتر است. همچنین افراد غیرعضو نسبت به اعضای عادی و اعضای عادی نسبت به اعضای اجرایی نگرش منفی‌تری در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی دارند.

ضریب توافقی C نیز شدت وابستگی بین نوع عضویت و میزان آشنایی نیز نوع عضویت و میزان مشارکت را در حد زیاد نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- میزان گرایش به انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان بر حسب محل سکونت

میزان‌گرایش مقوله‌های مربوط به گرایش	محل سکونت	کم	زیاد	جمع	N	کمیت‌های آزمون
آشنایی	شهر	۸۱/۹	۱۸/۱	۱۰۰	۳۲۰	$\chi^2 = 2/95 < \chi_c^2 = 3/84$
	روستا	۶۶/۷	۳۳/۳	۱۰۰	۲۱	Df= ۱ C= ۰/۰۹۲ sig = ۰/۰۸۲
نگرش	شهر	۷۱/۹	۲۸/۱	۱۰۰	۱۷۸	$\chi^2 = 1/51 < \chi_c^2 = 3/84$
	روستا	۵۴/۵	۵۴/۵	۱۰۰	۱۱	Df= ۱ C= ۰/۰۸۹ sig = ۰/۱۸۵
مشارکت	شهر	۶۰/۳	۳۹/۷	۱۰۰	۲۶۲	$\chi^2 = 1/03 < \chi_c^2 = 3/84$
	روستا	۴۶/۲	۲۳/۸	۱۰۰	۱۳	Df= ۱ C= ۰/۰۶۱ sig = ۰/۲۳۲

براساس نتایج به‌دست آمده، بین محل سکونت با میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت رابطه معنی‌دار وجود ندارد. ولی، مطابق آمار توصیفی، میزان آشنایی معلمان روستایی بیشتر از معلمان شهری می‌باشد و همچنین نگرش معلمان روستایی در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان مثبت‌تر از معلمان شهری می‌باشند، و میزان مشارکت معلمان شهری بیش از معلمان روستایی است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن بُعد مسافت معلمان نقاط روستایی باشد. علاوه بر موارد فوق، سؤالات دیگری که به ذهن می‌رسد این است که چه ارتباطی بین میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت وجود دارد؟

جدول ۱۱- رابطه آشنایی معلمان نسبت به انجمن‌های علمی-آموزشی و نوع نگرش آنان نسبت به انجمن‌ها

میزان	زیاد		متوسط		کم		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بالا	۱۸	۳۸/۳	۵	۳۶/۳	۳۵	۲۷/۲	۵۸	۲۹/۷
متوسط	۲۷	۵۷/۴	۱۱	۵۷/۹	۵۱	۳۹/۵	۸۹	۴۵/۶
پایین	۲	۴/۳	۳	۱۵/۸	۴۳	۳۳/۳	۴۸	۲۴/۶
جمع	۴۷	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۱۲۹	۱۰۰	۱۹۵	۱۰۰

$$x^2_m = ۱۷/۱۴۱ \quad x^2_c = ۹/۴۹ \quad d.f = ۲ \quad Sig = ۰/۰۰۲$$

باتوجه به نتیجه به دست آمده از آزمون مربع خی^۱ که بزرگتر از مربع خی جدول می‌باشد، سؤال مذکور تأیید می‌گردد. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین آشنایی معلمان با انجمن‌های علمی-آموزشی و نگرش آنان نسبت به این انجمن‌های رابطه معنی‌دار وجود دارد.

همان‌طور که داده‌های مندرج در جدول (۱۱) نشان می‌دهند، معلمانی که آشنایی‌شان با انجمن‌های علمی-آموزشی در حد زیاد بوده، نگرش‌شان نیز در این انجمن‌ها در حد بالا می‌باشد. زیرا ۳۸/۳ درصد از معلمانی که آشنایی‌شان را در این ارتباط با انجمن‌های مذکور در حد زیاد اظهار داشته‌اند، نگرش‌شان نسبت به این انجمن‌ها در حد بالا بوده است و تنها ۴/۳ درصد از این معلمان که آشنایی‌شان با انجمن‌های مذکور در حد زیاد بوده، نگرش‌شان نسبت به این انجمن‌ها در حد پایین بوده است. و در بین معلمانی که آشنایی‌شان با انجمن‌های علمی-آموزشی در حد کم بوده، ۳۳/۳۳ درصد از آنان نگرش‌شان نسبت به این انجمن‌ها در حد پایین بوده است. باتوجه به داده‌ها می‌توان بیان داشت که بین آشنایی معلمان با انجمن‌های علمی-آموزشی و نگرش آنان نسبت به این انجمن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، یعنی هرچه آشنایی پاسخگویان با انجمن‌های علمی بیشتر باشد به همان نسبت نگرش آنان نسبت به این انجمن‌ها مثبت‌تر (در حد بالاتر) می‌باشد.

۱ همچنین به خاطر برخی سؤالات که مربوط به اعضا و غیراعضا بوده و نیز عدم اظهار برخی متغیرهای مربوط به نگرش و آشنایی مجموع فراوانی این جدول و جداول صفحات بعد کاهش یافته است. و برای استفاده درست از آزمون مربع خی، اظهار نشده‌ها در معادله آزمون مربع خی لحاظ نشده است.

جدول ۱۲- رابطه بین میزان آشنایی معلمان با انجمن‌های علمی-آموزشی و مشارکت آنان در انجمن‌ها

میزان	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
زیاد	۱۶	۸۴/۲	۲۱	۷۷/۸	۱۱	۵۷/۹	۴	۴۰	۶۳	۳۰	۱۱۵	۴۰/۴
کم	۳	۱۵/۸	۶	۲۲/۲	۸	۴۲/۱	۶	۶۰	۱۴۷	۷۰	۱۷۰	۵۹/۶
جمع	۱۹	۱۰۰	۲۷	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۱۰	۱۰۰	۲۸۵	۱۰۰

باتوجه به نتیجه حاصل از آزمون مربع خبی که بزرگتر از مربع خبی جدول می‌باشد، رابطه بین میزان آشنایی معلمان با ابزارهای علمی-آموزشی و میزان مشارکت آن‌ها در انجمن‌ها تأیید می‌گردد. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین میزان آشنایی معلمان به انجمن‌های علمی-آموزشی و مشارکت آنان در این انجمن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد. همان‌طور که داده‌های مندرج در جدول (۱۲) نشان می‌دهند، معلمانی که آشنایی‌شان با انجمن‌های علمی-آموزشی در حد بالا بوده، مشارکتشان نیز در این انجمن‌ها در حد زیاد می‌باشد. زیرا ۸۴/۲ درصد از معلمانی که آشنایی‌شان را در ارتباط با انجمن‌های مذکور در حد خیلی زیاد اظهار داشته‌اند، مشارکتشان نیز در این انجمن‌ها در حد زیاد بوده است. و در بین معلمانی که آشنایی‌شان با انجمن‌های علمی-آموزشی در حد خیلی کم بوده، تنها ۳۰ درصد از آنان در حد زیاد، در این انجمن‌ها مشارکت داشته‌اند.

جدول ۱۳- رابطه بین میزان نگرش معلمان نسبت به انجمن‌های علمی-آموزشی و میزان مشارکت آنان در انجمن‌ها

میزان	بالا		متوسط		کم		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
زیاد	۳۱	۵۷/۴	۵۶	۷۰	۱۴	۳۱/۸	۱۰۱
کم	۲۳	۴۵/۶	۲۴	۳۰	۳۰	۶۸/۲	۷۷
جمع	۵۴	۱۰۰	۸۰	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۱۷۸

باتوجه به نتیجه حاصل از آزمون مربع خی که بزرگتر از مربع خی جدول می باشد، رابطه بین میزان نگرش معلمان نسبت به انجمن های علمی-آموزشی و میزان مشارکت آنان در انجمن ها تأیید می گردد. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان بیان داشت که بین نگرش معلمان نسبت به انجمن های علمی-آموزشی و مشارکت آنان در این انجمن ها رابطه معنی دار وجود دارد. همان طور که داده های مندرج در جدول (۱۳) نشان می دهند، معلمانی که نگرش شان نسبت به انجمن های علمی-آموزشی در حد متوسط بوده، مشارکتشان نیز در این انجمن ها در حد زیاد می باشد. زیرا ۷۰ درصد از معلمانی که نگرش شان نسبت به انجمن های مذکور در حد بالا اظهار داشته اند، مشارکتشان در این انجمن ها در حد زیاد بوده است. و در بین معلمانی که نگرش شان نسبت به انجمن های علمی-آموزشی در حد پایین بوده، تنها ۳۱/۸ درصد از آنان در حد زیاد در این انجمن ها مشارکت داشته اند. در مجموع با توجه به داده ها می توان بیان داشت که نگرش معلمان نسبت به انجمن های علمی-آموزشی در مشارکت آنان در این انجمن ها تأثیر دارد و هرچه نگرش معلمان نسبت به این انجمن ها مثبت تر باشد به همان نسبت هم مشارکتشان در انجمن ها بیشتر می باشد.

بحث و نتیجه گیری

براساس نتایج تحقیق، ۸۰/۸ درصد از معلمان میزان آشنایی شان در خصوص وظایف و اختیارات انجمن علمی-آموزشی معلمان در حد «کم و خیلی کم» ۵/۹ درصد در حد «متوسط» و ۱۳/۳ درصد در حد «زیاد و خیلی زیاد» بوده است. که در مبانی نظری از آن تحت عنوان عنصر ادراکی یا شناختی یاد شده است. در مورد نگرش معلمان در خصوص انجمن های علمی-آموزشی، ۲۹/۷ درصد از معلمان نگرش شان در خصوص انجمن علمی-آموزشی در حد مثبت، ۴۵/۶ در حد بی نظر و ۲۴/۶ درصد در حد منفی بوده است. این بخش از گرایش در مبانی نظری تحت عنوان عنصر احساسی یا عاطفی مطرح شده، که بیشترین درصد مربوط به گزینه بی نظر (۴۵/۶ درصد) می باشد. همچنین در مورد میزان تمایل معلمان در خصوص مشارکت در انجمن های علمی - ۵۸/۷ درصد در حد زیاد، ۳۰/۸ درصد در حد متوسط و ۱۰/۶ درصد در حد کم بوده است این مرحله، عنصر رفتاری، یا قصد و آمادگی برای مشارکت در انجمن ها را نشان می دهد که یکی از مولفه های مهم گرایش را تشکیل می دهد. در خصوص میزان مشارکت معلمان در انجمن های علمی-آموزشی، ۵۹/۷ درصد در حد کم، ۳۸/۲ درصد در حد متوسط، ۲/۱ درصد در حد زیاد بوده است.

در همین رابطه، نتایج تحقیق نشان می دهد که بین سن و میزان آشنایی در خصوص

انجمن‌های علمی رابطه معنی‌دار وجود دارد، یعنی هرچه سن معلمان بیشتر باشد، آشنایی آنان نیز بیشتر می‌باشد همچنین هر چند بین سن با میزان مشارکت و نگرش رابطه معنی‌دار مشاهده نمی‌شود ولی هرچه سن معلمان بیشتر باشد، نگرش آنان در خصوص انجمن‌های علمی مثبت‌تر می‌باشد و مشارکت آنان نیز بیشتر می‌باشد. نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهد که بین جنس با میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت رابطه معنی‌دار مشاهده نمی‌شود ولی داده‌های توصیفی نشان می‌دهد که میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت مردان در خصوص انجمن‌های علمی بیشتر و مثبت‌تر از زنان بوده است. زیرا، همانطوری که در مبانی نظری اشاره شد، هرچه میزان آشنایی افراد در یک موضوع بیشتر باشد، نگرش مثبت‌تری نسبت به آن موضوع پیدا می‌کنند و در سطح رفتاری نیز آمادگی بیشتری برای عمل پیدا می‌کند. داده‌های مزبور، با نتایج تحقیق محسنی (۱۳۷۹)، علی‌اکبری (۱۳۸۵) و قانع‌راد (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

همچنین بین سنوات خدمت با میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد. ولی براساس داده‌های توصیفی هرچه سنوات خدمت معلمان بیشتر باشد، میزان آشنایی و مشارکت آنان در خصوص انجمن‌ها نیز بیشتر می‌باشد. عدم ارتباط معنی‌دار بین سوابق خدمت با متغیرهای مذکور با نتایج تحقیق قانديها (۱۳۸۳) همخوانی دارد.

یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر روی انجمن‌های علمی-آموزشی مدرک تحصیلی آنان می‌باشد داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین مدرک تحصیلی با میزان آشنایی و مشارکت در خصوص انجمن‌های علمی رابطه معنی‌دار وجود دارد یعنی هرچه مدرک تحصیلی معلمان بالاتر باشد، میزان آشنایی و مشارکت آنان در خصوص انجمن‌ها نیز بیشتر می‌باشد. بین مدرک تحصیلی و نگرش نیز، هرچند رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر وجود ندارد ولی داده‌ها نشان می‌دهد که هرچه مدرک تحصیلی معلمان بالاتر باشد، نگرش آنان در خصوص انجمن‌ها نیز مثبت‌تر خواهد بود. این امر مؤید دیدگاه تئوریک تحقیق است، که بین میزان آشنایی، نوع نگرش و سطح رفتاری نسبتی وجود دارد. همچنین، رابطه بین متغیرها تحصیلات و مشارکت در انجمن‌ها با یافته‌های تحقیق محسنی (۱۳۷۹) و قانع‌راد (۱۳۸۴) مطابقت دارد.

همچنین بین محل سکونت با میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت رابطه معنی‌دار مشاهده نمی‌شود، ولی داده‌های توصیفی حاکی از بالا بودن میزان آشنایی و نوع نگرش مثبت معلمان روستایی نسبت به شهری‌ها می‌باشد. با وجود این، میزان مشارکت مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است.

در خصوص نوع عضویت نیز بین نوع عضویت و میزان گرایش (آشنایی، نگرش و مشارکت)

به انجمن‌های علمی-آموزشی رابطه معنی‌دار وجود دارد. یعنی میزان آشنایی و مشارکت اعضای اجرایی و اعضای عادی از افراد غیرعضو بیشتر است و نیز اعضای اجرایی و عادی نگرش مثبت‌تری در خصوص انجمن‌های علمی-آموزشی در مقایسه با افراد غیرعضو دارند. همچنین داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان آشنایی و نوع نگرش آنان در خصوص انجمن‌های علمی رابطه معنی‌دار وجود دارد یعنی هرچه میزان آشنایی معلمان در خصوص انجمن‌ها بیشتر باشد نگرش آنان مثبت‌تر خواهد بود. بنابراین بین آشنایی و نگرش رابطه متقابلی وجود دارد، به طوری که آشنایی روی نگرش و نگرش روی آشنایی تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان می‌دهد، که بین میزان آشنایی معلمان و میزان مشارکت آنان در خصوص انجمن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد، یعنی هرچه میزان آشنایی معلمان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان نیز بیشتر خواهد بود. این امر موید چهارچوب نظری تحقیق است که هرچه میزان آگاهی افراد در یک موضوع بیشتر باشد، در سطح رفتاری نیز اقدام بیشتری به عمل می‌آورند.

همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که بین نوع نگرش معلمان در خصوص انجمن‌ها و میزان مشارکت در زمینه انجمن‌های علمی رابطه معنی‌دار وجود دارد. بنابراین، همان‌طوری که در مبانی نظری اشاره شد، بین نگرش و رفتار رابطه متقابل وجود دارد، به طوری که می‌توان با تغییر در نگرش‌ها و دیدگاه‌های مردم در رفتار و عادات آن‌ها نیز تغییراتی ایجاد نمود. از این رو، روابط بین میزان آشنایی، نوع نگرش و میزان مشارکت در انجمن‌ها با یافته‌های تحقیق علی‌اکبری در پیشینه تحقیق (۱۳۸۵) همخوانی دارد.

پیشنهادها

باتوجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- از آنجایی که برخی از رده‌های اجتماعی دارای آگاهی کمتری در خصوص وظایف و اختیارات انجمن‌های علمی می‌باشند، لذا لازم است اقدامات مقتضی در خصوص آگاهی بخشی آن‌ها صورت گیرد، این افراد عبارتند از: دبیران زن، افراد غیرعضو، اعضای عادی، معلمان با سن و سنوات خدمت کمتر و مدرک تحصیلی پایین‌تر.
- ۲- باتوجه به داده‌های تحقیق، لازم است سیاست‌ها و تدابیر مناسب در مورد افزایش مشارکت زنان و نیز معلمانی که دارای سنین و سنوات خدمت و مدرک تحصیلی کمتری هستند اتخاذ گردد.
- ۳- افزایش مشارکت زنان و نیز معلمان دارای سنین و سنوات خدمت و مدرک تحصیلی کمتر در انجمن‌های علمی-آموزشی.

۴- شکل‌گیری و یا تسریع فرایند تغییر گرایش معلمان در خصوص انجمن‌ها از حالت مخالف به بی‌طرف و از بی‌طرف به موافق.

منابع

- ربانی خوراسگانی، علی و وحید قاسمی (۱۳۸۱)، «نگرش مردم شهر اصفهان در مورد آسیب‌های نظام اجتماعی ایران با تأکید بر تحلیل آسیب‌دین‌گریزی در جامعه *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۳.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۳)، «سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی»، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- دستورالعمل انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان، (۱۳۷۷).
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی* تهران، مؤسسه کیهان.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱)، «بررسی وضعیت تشکلهای غیردولتی مرتبط با سازمانها در دستگاههای دولتی و نهادهای عمومی.
- سرایبی، حسن و زهرا قاسمی (۱۳۸۱)، «گونه‌های انجمن‌های داوطلبانه در ایران» تهران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۴.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی»، تهران، *مجله رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره نهم، شماره ۲.
- صباغ‌پور، علی اصغر (۱۳۷۷)، «بررسی ساخت نگرشی جوانان تهرانی» تهران، *فصلنامه پژوهش*، شماره اول.
- علی اکبری، سمیه (۱۳۸۵)، «بررسی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه پیام نور رشت نسبت به انجمن‌های علمی» *پایان‌نامه کارشناسی*، دانشگاه پیام نور رشت.
- قائدیها، محمدحسن (۱۳۸۳)، «بررسی راهکارهای عملی فعال‌تر نمودن انجمنهای علمی-آموزشی معلمان استان اصفهان در دستیابی به اهداف»، اصفهان، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- قانع‌راد، محمد امین و فریده حسینی (۱۳۸۴)، «ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمانهای غیردولتی»، تهران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۳.
- کاردوست جورشری، مژگان (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه قشربندی با سلیقه موسیقایی جوانان شهر رشت» *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه گیلان.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران»، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- مظفرزاده، فتح‌اله (۱۳۸۴) (۱۳۸۴)، «انجمن‌های علمی ایران، گذشته، حال و آینده» تهران، *مجله رهیافت*، شماره ۱۱، زمستان.
- Bourdieu, Pieere (1986) "The forms of capital" in J. Richardson (Ed.) *Hand book of Theory and Research for the sociology of Education*. New York: Green wood press.
- Colman, James Samuel (1988). "Social capital in the creation of human capital." *American Journal of sociology*.
- Putnam, Rabert (1993). *Making Democracy Wrok: Civic Traditions in Modern Italy* princeton. N.J: Princeton University Press.